





تثبیت و تنظیم
بیادین المسئلة ونعا



[مهج الدعوات] دعای مولای ما و پیشوای ما، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در روز هریر صفین، با سند ما تا سعد بن عبدالله در کتاب الدعاء چنین روایت شده است: محمد بن عبدالله مسمعی از عبدالله بن عبدالرحمن اصم، و موسی بن جعفر بن وهب بغدادی از محمد بن حسن بن شمون، از عبدالله بن عبدالرحمن، از ابو جعفر محمد بن نعمان احول، از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در روز هریر، هنگامی که کار بر دوستانش سخت شد، دعای «کرب» را خواند؛ هر کس این دعا را در هنگام گرفتاری و اندوه بخواند، خداوند او را از آن نجات می بخشد. و آن دعا چنین است:



اللَّهُمَّ لَا تُحِبِّبْ إِلَيَّ مَا أَبْغَضْتَ وَلَا تُبِغِضْ

خدایا دوست داشتنی‌ام مدار چیزی را که تو

إِلَيَّ مَا أَحَبَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ

ناخوش داشته‌ای و دشمن داشتنی‌ام مدار چیزی

أَرْضَى سَخَطَكَ أَوْ أَسْخَطَ رِضَاكَ أَوْ أُرِدَّ

را که تو دوست داشته‌ای. خدایا به تو پناه می‌برم

قَضَاءَكَ أَوْ أَعْدُو قَوْلِكَ أَوْ أَنَا صِحَّ أَعْدَاءِكَ

که به خشم تو راضی شوم یا به رضای تو خشم

أَوْ أَعْدُو أَمْرِكَ فِيهِمْ. اللَّهُمَّ مَا كَانَ

گیرم یا قضایت را برگردانم یا از سختت بگذرم یا با

مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْ رِضْوَانِكَ

دشمنانت خیرخواهی کنم یا در حق آنان از فرمانت



وَيُبَاعِدُنِي مِنْ سَخَطِكَ فَصَيِّرْنِي لَهُ وَ

سریچی نمایم. خدایا هر کار یا سخنی که مرا به

اَحْمِلْنِي عَلَيْهِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ

خشنودیت نزدیک و از خشمت دور کند، مرا به

اِنِّيْ اَسْأَلُكَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَقَلْبًا شَاكِرًا

آن متمایل و بدان وادار ای مهربان‌ترین مهربانان.

وَيَقِيْنًا صَادِقًا وَاِيْمَانًا خَالِصًا وَجَسَدًا

خدایا از تو زبانی یاور یاد، دلی سپاس‌گذار، یقین

مُتَوَاضِعًا وَارْزُقْنِيْ مِنْكَ حُبًّا وَاَدْخِلْ

راستین، ایمان خالص، پیکری فروتن، محبت

قَلْبِيْ مِنْكَ رُعْبًا. اَللّٰهُمَّ فَاِنْ تَرَحَّمْتَنِيْ فَقَدْ

خویش و هیبتی از خود در دل می‌خواهم. خدایا



حَسَنَ ظَنِّي بِكَ وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَبِظُلْمِي وَ

اگر بر من رحمت آوری خوش گمانی ام به تو سزاوار

جَوْرِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي فَلَا

است و اگر عذابم دهی، به خاطر ستم، تجاوز،

عُذْرِي إِنْ اِعْتَذَرْتُ وَلَا مُكَافَاةَ أَحْتَسِبُ

گناه و زیاده روی من بر خود است، عذری ندارم

بِهَا. اللَّهُمَّ إِذَا حَضَرَتِ الْأَجَالُ وَنَفِدَتِ

اگر عذر آورم و پاداشی نیست که به آن تکیه کنم.

الْأَيَّامُ وَكَانَ لَا بُدَّ مِنْ لِقَائِكَ

خدایا آنگاه که اجلها فرارسد و روزگار پایان پذیرد

فَأَوْجِبْ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلًا يَغِيبُنِي بِهِ

و لقایات ناگزیر باشد، برایم در بهشت منزلی مقرر



الأُولُونَ وَالْآخِرُونَ لَا حَسْرَةَ بَعْدَهَا وَ

کن که پیشینیان و پسینیان بر آن غبطه خورند، نه

لَا رَفِيقَ بَعْدَ رَفِيقِهَا فِي أَكْرَمِهَا مَنْزِلًا.

پس از آن حسرتی باشد و نه پس از همدمی اش،

اللَّهُمَّ الْبِسْنِي خُشُوعَ الْإِيمَانِ بِالْعِزِّ

همدمی، در گرمی ترین جایگاهش. خدایا جامه

قَبْلَ خُشُوعِ الدُّلِّ فِي النَّارِ ائْتِنِي عَلَيْكَ

خشوع ایمان را پیش از خواری آتش بر من بپوشان.

رَبِّ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ لِأَنَّ بَلَاءَكَ عِنْدِي

تو را به نیکوترین ستایش‌ها می‌ستایم که بلای تو

أَحْسَنُ الْبَلَاءِ. اللَّهُمَّ فَادِقْنِي مِنْ عَوْنِكَ

نزد من بهترین بلاست. خدایا از یاری، پشتیبانی،



و تَأْيِيدِكَ وَ تَوْفِيقِكَ وَ رِفْدِكَ وَ ارْزُقْنِي

توفیق و عطایت کامم بچشان و شوق دیدارت و

شَوْقًا إِلَى لِقَائِكَ وَ نَصْرًا فِي نَصْرِكَ حَتَّى

پیروزی در نصرتت را روزی ام کن تا شیرینی آن را در

أَجْدَ حَلَاوَةَ ذَلِكَ فِي قَلْبِي وَ اعْزِمْ لِي عَلَى

دلّم بچشم و بر راهنمایانه ترین کارهایم عزمم بخش

أَرْشِدِ أُمُورِي فَقَدْ تَرَى مَوْقِفِي وَ مَوْقِفَ

که تو جایگاه من و اصحابم را می بینی و چیزی از

أَصْحَابِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ

کارم بر تو پوشیده نیست. خدایا همان نصرتی را از

أَمْرِي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ النَّصْرَ الَّذِي

تو می خواهی که بدان پیامبرت را یاری کرده ای و



نَصَرْتُ بِهِ رَسُولَكَ وَفَرَّقْتُ بِهِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْ

بَيْنَ حَقِّ وَبَاطِلِ جَدَائِي اِنْدَاخْتَه اِي تَا دِيْنَت رَا بَرِيَا

الْبَاطِلِ حَتَّى أَقَمْتُ بِهِ دِيْنَكَ وَأَفْلَجْتُ

دَاشْتِي وَ حَجْت رَا پِيْرُوْز گِرْدَانْدِي، اِي اَن كِه دَر هَر

بِهِ حُجَّتْكَ يَا مَنْ هُوَ لِي فِي كُلِّ مَقَامٍ.

مقام یاور منی.

و سعد بن عبدالله نقل کرده که این دعا را امیرالمؤمنین علی صلوات الله علیه پیش از آن که مصاحف شریف را بلند کنند، خواند. سپس فرمود: معنای ماجرا چنین بود که ابلیس فریادی کشید که برخی از سپاهیان آن را شنیدند؛ او به معاویه و یارانش اشاره کرد که مصاحف بزرگ را برای نیرنگ و فریب برافرازند. خوارج هم در پاسخ به شبهه‌های او، به معاویه پیوستند و آنها را برافراشتند. یاران امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ همان گونه که در زمان حیات رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در فرمان بری



اختلاف داشتند، اینجا نیز دچار اختلاف شدند. پس آن حضرت علیه السلام دعا کرد و فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَمِنْ

خدایا از سختی بلا و شادمانی دشمنان
شَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي وَزَكَ عَمَلِي

پناه می برم. خدایا گناهم را بیامرز، عملم
وَاعْسِلْ خَطَايَايَ فَإِنِّي ضَعِيفٌ إِلَّا مَا قَوَّيْتُ وَ

را پاکیزه گردان، خطاهایم را بشوی، که
اقْسِمُ لِي حِلْمًا تُسَدُّ بِهِ بَابَ الْجَهْلِ وَعِلْمًا تُفْرِجُ

ناتوانم مگر آن که تو نیرویم بخشی. بردباری
بِهِ الْجَهْلَاتِ وَيَقِينًا تُذْهِبُ بِهِ الشَّكَّ عَنِّي وَفَهْمًا

به من بخش که در نادانی را ببندد،



تُخْرِجُنِي بِهِ مِنَ الْفِتَنِ الْمُعْضَلَاتِ وَنُوراً أَمْشِي بِهِ

دانشی که جهالت‌ها را بزداید، یقینی که
فِي النَّاسِ وَأَهْتَدِي بِهِ فِي الظُّلُمَاتِ. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ

شک را ببرد، فهمی که از فتنه‌های دشوار
لِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَقَلْبِي صَلَاحاً

بیروم آورد، نوری که در میان مردم با آن
بَاقِيَا تَصْلُحُ بِهِمَا مَا بَقِيَ مِنْ جَسَدِي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ

گام زنم و در تاریکی‌ها بدان راه جویم.
عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدایا شنوایی، بینایی، مو، پوست و دلم
أَيَّ عَمَلٍ كَانَ أَحَبَّ إِلَيْكَ وَأَقْرَبَ لَدَيْكَ أَنْ

را به صلاحی ماندگار اصلاح کن که با آن،



تَسْتَعْمَلَنِي فِيهِ أَبَدًا ثُمَّ لَقِنِي أَشْرَفَ الْأَعْمَالِ

باقی پیکرم به صلاح آید. آسایش هنگام
عِنْدَكَ وَآتَنِي فِيهِ قُوَّةً وَصِدْقًا وَجِدًّا وَعَزْمًا مِنْكَ

مرگ و گذشت هنگام حساب روزی ام کن.
وَنَشَاطًا ثُمَّ اجْعَلْنِي أَعْمَلُ ابْتِغَاءَ وَجْهِكَ وَمَعَاشَةً

خدایا هر کار که محبوب تر و نزدیک تر
فِيمَا آتَيْتَ صَالِحِي عِبَادِكَ، ثُمَّ اجْعَلْنِي لِأَشْتَرِي

به توست، همواره مرا در آن به کار گیر،
بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا وَلَا ابْتِغِي بِهِ بَدَلًا وَلَا تُغَيِّرْهُ فِي سَرَّاءِ

آبرومندترین کارهایت را به من بیاموز،
وَلَا ضَرَاءَ وَلَا كَسَلًا وَلَا نِسْيَانًا وَلَا رِيَاءَ وَلَا

قُوَّةً، صدق، جد، عزم و نشاطم بخش، و



سُمِعَةٌ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهِ وَارْزُقْنِي أَشْرَفَ الْقَتْلِ

مرا چنان دار که کار برای تو کنم و در آن
فِي سَبِيلِكَ أَنْصُرُكَ وَأَنْصُرُ رَسُولَكَ أَشْرَفَ الْحَيَاةِ

با صالحان بندگان شریک باشم، و هرگز
الْبَاقِيَةَ بِالْدُّنْيَا وَأَغْنِنِي بِمَرْضَاةٍ مِنْ عِنْدِكَ. اللَّهُمَّ وَ

آن را به بهایی اندک نفروشم، دگرگونش
أَسْأَلُكَ قَلْبًا سَلِيمًا حَفِيظًا مُنِيبًا يَعْرِفُ الْمَعْرُوفَ

نسامم، و نه در راحتی و نه در سختی و نه
فَيَتَّبِعُهُ وَيُنْكِرُ الْمُنْكَرَ فَيَجْتَنِبُهُ لَا فَا جِرًا وَلَا شَقِيًّا

از روی کسالت یا فراموشی یا ریا و سمعه
وَلَا مُرْتَابًا يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا مَنْ سَبَقَتْ

آن را ترک کنم، تا بر آن بمیرم. شهادت



رَحْمَتُهُ غَضَبُهُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ حَيَاتِي زِيَادَةً لِي فِي

برترین کشتگان در راهت را نصیبم کن،
كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْوَفَاةَ نَجَاةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ

تا تو و پیامبرت را یاری کنم و زندگی
اخْتِمْ لِي عَمَلِي بِالشَّهَادَةِ يَا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي وَيَا

جاودان را به بهای دنیا بخرم و مرا از سوی
صَاحِبِي فِي حَاجَتِي وَوَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَأَسْأَلُكَ أَنْ

خود به رضایت بینياز گردانی.» آنگاه
تَرزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَصَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ وَرِضًا

درخواست می‌کند: دلی سالم، نگهبان
بِقَدْرِكَ وَتَصَدِيقًا بِوَعْدِكَ وَحِفْظًا لِمَوْصِيَّتِكَ وَوَرَعًا

و بازگشت‌کننده به حق، که نیکو را



وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ وَاعْتَصِمَا بِحَبْلِكَ وَتَمَسُّكَ بِكِتَابِكَ

بشناسد و دنبال کند و زشت را انکار کند

وَمَعْرِفَةً بِحَقِّكَ وَقُوَّةً فِي عِبَادَتِكَ وَنَشَاطًا لِدُكْرِكَ

و دوری جوید، نه گناهکار و نه شقی و نه

مَا اسْتَعْمَرْتَنِي فِي أَرْضِكَ فَإِذَا كَانَ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ

شک کننده. حیاتم را افزایشی در هر خیر

الْمَوْتُ فَاجْعَلْ مُنِّي قِتْلًا فِي سَبِيلِكَ بِيَدِ شَرِّ

و مرگم را رهایی از هر شر قرار ده و کارم

خَلْقِكَ وَاجْعَلْ مَصِيرِي فِي الْأَحْيَاءِ الْمَرْزُوقِينَ

را با شهادت پایان بخش. شکر نعمت،

عِنْدَكَ فِي دَارِ الْحَيَوَانِ. اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِي بَصْرِي

صبر بر بلا، رضایت به قضایت، تصدیق



وَالْيَقِينِ فِي قَلْبِي وَخَوْفِكَ فِي نَفْسِي وَذِكْرِكَ عَلَيَّ

وعددهات، نگهداری وصیتت، ورع،
لِسَانِي. اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِي فِي مَسْأَلَتِي إِيَّاكَ

توکل، چنگ زدن به ریسمانت، تمسک به
رَغْبَةَ أَوْلِيَائِكَ فِي مَسَائِلِهِمْ وَاجْعَلْ رَهْبَتِي إِيَّاكَ

کتابت، شناخت حقیقت، نیرو در عبادت
فِي اسْتِجَارَتِي مِنْ عَذَابِكَ رَهْبَةَ أَوْلِيَائِكَ. اللَّهُمَّ وَ

و نشاط ذکر مادامی که مرا در زمینت زنده
اسْتَعْمَلَنِي فِي مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ عَمَلًا لَا أُتْرَكُ

بداری نصیبم فرما، و اگر مرگ فرا رسید،
شَيْئًا مِنْ مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنْ

مرگم را کشتن در راهت به دست بدترین



خَلَقَكَ دُونَكَ. اللَّهُمَّ مَا آتَيْتَنِي مِنْ خَيْرٍ فَآتِنِي مَعَهُ

آفریدگانت قرار ده و جایگاهم را در نزد
شُكْرًا تُحَدِّثُ بِهِ لِي ذِكْرًا وَأَحْسِنْ لِي بِهِ ذُخْرًا وَمَا

خود در میان روزی خوردگان در سرای
زَوَيْتَ عَنِّي مِنْ عَطَاءٍ آتَيْتَنِي عَنْهُ غِنًى فَاجْعَلْ لِي فِيهِ

جاویدان گردان. نوری در دیدگانم، یقین
أَجْرًا وَآتِنِي عَلَيْهِ صَبْرًا. اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرِي فِي الدُّنْيَا وَ

در دلم، خشیت در جانم و یاد خود بر زبانم
لَا تُلْهِنِي عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُقْصِرْ

بگذار. رغبتم در خواسته‌ام از تو، همانند
رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَمِّ وَ

رغبت دوستانت در خواسته‌هایشان و



الْحَزْنَ وَالْعَجْزَ وَالْكَسَلَ وَالْجُبْنَ وَالْبُخْلَ وَسُوءَ الْخُلُقِ

بیمم از عذابت همانند بیم آنان باشد. مرا

وَضَلَعَ الدِّينَ وَغَلَبَةَ الرِّجَالَ وَغَلَبَةَ الْعَدُوِّ وَتَوَالِي

به کار رضای خود برگمار که از ترس هیچ

الْأَيَّامِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ وَمِنْ

آفریده ای جز تو آن را ترک نکنم. هر خیری

بِلِيَّةٍ لَا أَسْتَطِيعُ عَلَيْهَا صَبْرًا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ

که دهی، شکرش را هم ده، و هر عطایی که

شَيْءٍ زَحَرَحَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَوْ بَاعَدَ مِنْكَ أَوْ صَرَفَ

ندهی، بی نیازیم ده، و در آن بهره و پاداش

عَنِّي وَجْهَكَ أَوْ نَقَصَ بِهِ مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ وَأَعُوذُ

و صبرم بخش. فقرم را برطرف کن، از



بِكَ أَنْ تَحُولَ خَطَايَايَ وَظُلْمِي أَوْ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي
عبادت بازمدار، از يادت محروم مگردان،
وَإِتِّبَاعِ هَوَايَ وَاسْتِعْمَالِ شَهْوَتِي دُونَ رَحْمَتِكَ وَبِرِّكَ
ميل دلم را به آن چه نزد توست کوتاه مکن.
وَفَضْلِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَمَوْعُودِكَ عَلَى نَفْسِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي
خدایا از اندوه، غم، ناتوانی، تنبلی، ترس،
أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَاحِبِ سَوْءٍ فِي الْمَغِيبِ وَالْمَحْضَرِ
بخل، بدخویی، سنگینی دین، چیرگی
فَإِنَّ قَلْبَهُ يَرَعَانِي وَعَيْنَاهُ تَنْظُرَانِي وَأُذُنَاهُ تَسْمَعَانِي
مردمان یا دشمنان، پی درپی آمدن
إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَبْدَاهَا وَ
روزهای سخت، و از هر چه مرا از تو دور



أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَمَعٍ يُدْنِي إِلَى طَبَعٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

کند پناه می برم. نیز از شریک و همدم بد،

ضَلَالَةٍ تُرِدِّي وَمِنْ فِتْنَةٍ تَعْرُضُ لِي وَمِنْ خَطِيئَةٍ

طمعی که به طبع کشاند، گمراهی، فتنه،

لَا تَوْبَةَ مَعَهَا وَمِنْ مَنَظَرٍ سَوِّءٍ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَ

گناه بی بخشش، منظره بد در خانواده،

الْوَالِدِ وَعِنْدَ غَضَاضَةِ الْمَوْتِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ

مال یا فرزند، سختی مرگ، کفر، شک،

وَالشَّكِّ وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

ستم، تعصب، خشم، بی نیازی طغیانگر،

غِنَى يُطْغِينِي وَمِنْ فَقْرٍ يُنْسِينِي وَمِنْ هَوَى يُرِدِّي

فقر فراموش کننده، هوای هلاک کننده،



وَمِنْ عَمَلٍ يُخْزِنِي وَمِنْ صَاحِبٍ يُعْوِينِي. اللَّهُمَّ إِنِّي

عمل رسواکننده، همراه گمراه کننده، و
أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرْعٌ وَأَوْسَطُهُ وَجَعٌ وَآخِرُهُ

از بدی روزی که آغازش هراس، میانه اش
جَزَعٌ تَسْوَدٌ فِيهِ الْوُجُوهُ وَتَجْفٌ فِيهِ الْأَكْبَادُ وَأَعُوذُ

رنج و پایانش اندوه است و چهره ها
بِكَ أَنْ أَعْمَلَ ذَنْبًا مُحِيطًا لَا تَغْفِرُهُ أَبَدًا وَمِنْ ذَنْبٍ

سیاه و جگرها خشک شود، پناه می برم.
يَمْنَعُ خَيْرَ الْآخِرَةِ وَمِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ وَحَيَاةٍ

از هر گناه نابخشودنی، امید بازدارنده
تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَهْلِ وَالْهَزْلِ وَمِنْ

عمل، زندگی بازدارنده مرگ نیک، جهل،



شَرَّ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَمِنْ سَقَمٍ يَشْغَلُنِي وَمِنْ صِحَّةٍ

بیهوده کاری، سخن و کردار بد، بیماری

تُلْهِينِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ التَّعَبِ وَالنَّصَبِ وَالْوَصَبِ

مشغول کننده، صحت غافل کننده،

وَالضِّيقِ وَالضَّلَالَةِ وَالْقَائِلَةِ وَالذَّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَ

خستگی، رنج، بیماری، تنگی، گمراهی،

الرِّيَاءِ وَالسُّمْعَةَ وَالنَّدَامَةَ وَالْحَزْنَ وَالْخُشُوعَ وَالْبَغْيَ

چرت، خواری، نیازمندی، ریا، سمعه،

وَالْفِتْنَ وَمِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ وَبَلَاءِ الدُّنْيَا

پشیمانی، اندوه، خشوع نابجا، ستم،

وَالْآخِرَةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

فتنه، همه آفات و بلای دنیا و آخرت،



بَطْنٍ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ وَسْوَسةِ الْاَنْفُسِ مِمَّا لَا تُحِبُّ

زشتی های آشکار و پنهان، وسوسه نفس
مِنَ الْقَوْلِ وَالْفِعْلِ وَالْعَمَلِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

به آن چه دوست نمی داری، جنیان و
الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالْحَسِّ وَاللَّبْسِ وَمِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ

انسانان، حسد، آمیختگی بد، رویدادهای
وَالنَّهَارِ وَأَنْفُسِ الْجِنِّ وَأَعْيُنِ الْإِنْسِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ

ناگهانی شبانه روزی، جان های جنیان و
بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي وَمِنْ شَرِّ سَمْعِي

چشم های آدمیان، شرّ نفس، زبان، گوش،
وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَمِنْ

چشم، شکم سیرناپذیر، دل بی خشوع،



قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَصَلَاةٍ لَا تُرْفَعُ.

دعای بی اجابت و نماز بی پذیرش، و از
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلَنِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَرُدَّنِي

هر گونه عذاب و گمراهی پناه می جویم.
فِي ضَلَالَةٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشِدَّةِ مُلْكِكَ وَعِزَّةِ

به قدرت و سلطنت و پادشاهی ات و از
قُدْرَتِكَ وَعَظْمَةِ سُلْطَانِكَ وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ.

شر همه آفریده هایت پناه می برم.

امام صادق علیه السلام فرمود: این دعا برای هر کار مهم و گرفتاری

بزرگ است و دعایی است که به خواست خدا رد نمی شود.



بنیادین المطالع ذمها
دوبسند الدعاة العرفية
E.I. Information Foundation



<https://bonyadecdoe.com>



+98 91 91 91 98 00